

\* به نام خداوند جان و خرد \*

# بررسی آرایه ها و نکات ادبی فارسی دوره ی اول دبیرستان

گردآورنده: سرگروه ادبیات فارسی اندیمشک

علی ابراهیمی

## با عرض سلام و درود خدمت همکاران گرامی

توجه شما را به نکات زیر جلب می کنم:

گرد آورنده ی این مطلب سعی کرده است که تمام آرایه های ادبی به کار رفته در کتاب های فارسی هفتم، هشتم و نهم را با ذکر مثال کاربردی از کتب فارسی دوره ی اول دبیرستان ذکر کند که مورد استفاده ی همکاران قرار گیرد. کاستی ها و ایرادات آن ( به خصوص مشکلات تایپی ) را به بزرگواری خود ببخشایید.

علی ابراهیمی

## آرایه های ادبی دوره ی اول دبیرستان در یک نگاه کلی

### 1- تشخیص ( جان بخشی به اشیا - انسان نمایی)

نسبت دادن اعمال و رفتار انسانی به غیر انسان را گویند.

مثال : برق از شوق که می خندد بدین سان قاه قاه ← عمل خندیدن که رفتاری انسانی است به برق نسبت داده شده است.

مثال : شبنم از روی برگ گل برخاست / گفت: می خواهم آفتاب شوم ← بلندشدن و حرف زدن شبنم

مثال: سرزنش ها گر کند خار مگیلان غم مخور ← سرزنش کردن خار مگیلان

### 2- واج آرایی ( نغمه ی حروف )

هرگاه یک حرف یا حرکت چندین بار در نوشته ای بیاید ( تکرار یک واج صامت یا مصوت ).

مثال : آفرینش همه تنبیه خداوند دل است / دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار ( واج آرایی د ).

مثال: کشور ما همواره سرزمین سپند فرّ و فروغ و فرزانی و فرهیختگی بوده است(واج آرایی ف)

### 3- تضاد ( طباق )

هرگاه دو کلمه از نظر معنی مخالف و ضد هم باشند.

مثال : آنچه در برّ و بحر است از انواع حیوانات ← برّ و بحر تضاد

مثال: از ظلمت خود رهایی ام ده/ با نور خود آشنایی ام ده ← ظلمت و نور تضاد

مثال: عزت از خواری نشناخته ای / عمر در خارکشی باخته ای ← عزت و خواری تضاد

#### 4- مراعات نظیر ( شبکه ی معنایی، تناسب )

هر گاه دو یا چند کلمه در بیت یا نوشته ای بیایند و نسبتی با هم داشته باشند این نسبت می تواند از نظر جنس، مکان، زمان و ... باشد.

**مثال :** با چشم ادب نگر پدر را / از گفته ی او مپیچ سر را ( سر-چشم ← مراعات نظیر \* چشم-نگر ← مراعات نظیر ).

**مثال:** کای فلان چاشت بده یا شامم/ نان و آبی که خورم و آشامم(چاشت.شام.نان.آب←مراعات نظیر)

**مثال:** نیت من در نماز و در دعا / ترس بود و وحشت از خشم خدا(ترس،وحشت،خشم←مراعات نظیر)

#### 5- تشبیه

مانند کردن چیزی به یک چیز دیگر . هر تشبیه دارای چهار رکن است.

- **مشبه :** کلمه ای که قصد تشبیه کردن آن را داریم.
- **مشبه به :** همان چیزی که مشبه به آن تشبیه می شود.
- **ادات تشبیه :** کلمه ای که مشبه و مشبه به را به هم می پیوندد.( همچون ، چون، مانند ،مثل، بسان و ... )
- **وجه شبه :** ویژگی یا ویژگی های مشترک بین مشبه و مشبه به.

**مثال :** مادر مانند آب ، پاک و زلال است.

مادر ← مشبه ، مانند ← ادات تشبیه ، آب ← مشبه به ، پاک و زلال ← وجه شبه .

#### 6- اضافه ی تشبیهی

گونه ای از تشبیه است. این نوع تشبیه در واقع به شکل یک ترکیب اضافی می آید.

(\_\_\_\_+\_\_\_\_،\_\_\_\_+\_\_\_\_) در اضافه ی تشبیهی فقط مشبه و مشبه به می آید و معمولا جای آن در ترکیب اضافی عوض می شود. یعنی ابتدا مشبه به و سپس مشبه می آید. برای یافتن مشبه به باید به این نکته توجه داشت که معمولا مشبه به یک چیز دیدنی و ملموس است.

**مثال :** دفترِ عشق ← عشق به دفتر تشبیه شده است.

**مثال:** ای هدهد صبا به سبا می فرستمت. (هدهدصبا ← اضافه تشبیهی. صبا: مشبه - هدهد: مشبه به)

کزو گرم است بازارِ محبت ← بازار: مشبه به / محبت : مشبه

گاهی اول مشبه و سپس مشبه به می آید. مانند: قدِ سرو که در آن قد مشبه و سرو مشبه به است.

## 7- کنایه

در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است و هر گاه عبارتی در دو معنای دور و نزدیک به ذهن به

کار رود و مقصود ما معنای دور باشد به آن کنایه گویند. بسیاری از ضرب المثل ها به نوعی کنایه اند.

**مثال:** یکی را به سر بر نهد تاج بخت / یکی را به خاک اندر آرد ز تخت

\* تاج بر سر نهادن ← معنای نزدیک : تاج را روی سر قرار دادن

معنای دور : گرامی و بزرگ داشتن

\* یکی را به خاک اندر آرد ز تخت ← نزدیک : یکی را از تخت بر روی خاک انداختن

دور : کوچک و پست شمردن

## 8- مبالغه ( اغراق ، بزرگ نمایی)

اگر هنگام توصیف کسی یا چیزی زیاده روی کنیم و آن را بسیار بزرگ تر از آنچه هست بیان کنیم

به آن اغراق یا مبالغه گوئیم . مبالغه یعنی بزرگنمایی

**مثال :** شود کوه آهن چو دریای آب / اگر بشنود نام افراسیاب ← اغراق در توصیف افراسیاب

**مثال :** خون میان سنگر آزادگان جوشید ( جوشیدن خون ← کنایه از خشمگین شدن و بزرگنمایی و

اغراق )

**مثال :** یک روز از آسمان آتش بارید ( باریدن آتش ← مبالغه یا بزرگنمایی )

## 9- سجع

در لغت به معنی آواز کبوتر است و در اصطلاح ادبی به واژه های پایانی دو یا چند جمله می گویند که در حرف و حرکت آخر مشترک باشند. سجع مانند قافیه در شعر است و به نثری که در آن سجع به کار رفته باشد نثر مسجع گویند.

**مثال :** فرزندان در پرتو گرم و گوارای مادر ، جان می گیرند و می پرورند و می بالند. ( می گیرند، می پرورند و می بالند ← سجع )

**مثال :** آنچه را نیاید ، دل بستگی نشاید. (نیاید و نشاید ← سجع )

**مثال :** حکیمی گفته است: افسوس که جوان نمی داند و پیر نمی تواند(نمی داند و نمی تواند←سجع)

## 10- تلمیح

در لغت به معنای با گوشه ی چشم اشاره کردن است و در اصطلاح ادبی آن است که در میانه ی سخنی به آیه، حدیث، داستان، واقعه یا مَثَل و شعری معروف اشاره کنیم.

**مثال :** گلستان کند آتشی بر خلیل ( اشاره به داستان حضرت ابراهیم )

**مثال :** گروهی به آتش بَرَدَ ز آب نیل ( اشاره به داستان حضرت موسی )

**مثال :** ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی / نروم جز به همان ره که توام راهنمایی

(مصراع اول اشاره با آیه ← الحمدلله رب العالمین - مصراع دوم اشاره به آیه ←اهدنا الصراط المستقیم)

## 11- جناس

آوردن دو یا چند کلمه است که دقیقاً یا تقریباً در نوشتار به یک صورت باشد اما معانی آن ها متفاوت باشد. جناس بر دو نوع است:

- **جناس تام :** اگر دو کلمه دقیقاً مثل هم باشند ولی معنایشان با هم فرق کند جناس تام گویند.

**مثال :** در پيله تا به کی بر خویشن تنی / در بسته تا به کی در محبس تنی (تنی با تنی جناس تام دارد در مصراع اول به معنای می بافی و در مصراع دوم به معنای جسم خود می باشد).

**مثال :** بهرام که گور می گرفتی همه عمر / دیدی که چگونه گور بهرام گرفت (گور با گور جناس تام دارد گور اول به معنای گورخر و گور دوم به معنای قبر می باشد. )

• **جناس ناقص :** که خود بر سه نوع است:

➤ **جناس ناقص حرکتی:**

اگر دو کلمه فقط در مصوت کوتاه ( َ ) با هم فرق کند . مانند : ( ملک و مُلک) و (گُل و گِل) و ( دَر و دُر )

➤ **جناس ناقص اختلافی :**

اگر دو کلمه فقط در یک حرف با هم فرق کنند مانند: بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار/خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار (نهار و بهار جناس ناقص اختلافی دارند. )  
او خدو انداخت بر روی علی/ افتخار هر نبی و هر ولی (علی و ولی جناس ناقص اختلافی دارند. )

➤ **جناس ناقص افزایشی:**

اگر یکی از دو کلمه فقط یک حرف از دیگری بیشتر داشته باشد.  
**مثال :** خبیرت هست که مرغان سحر می گویند/ آخر ای خفته سر از خواب جهالت بردار (سَحَر و سَر)  
**مثال:** حافظا در کنج فقر و خلوت شب های تار/ تا بود وردت دعا و درس قرآن غم نخور ( تار، تا ) و ( در ، درس )

## 12-تضمین

آوردن مصراع یا بیتی از شاعر دیگر در شعر خود یا آوردن آیه یا حدیثی در میان سخن و کلام خود را گویند . ( در تلمیح شاعر اشاره به حدیث یا آیه می کند ولی در تضمین عین آیه یا حدیث یا شعر ذکر می شود. )

**مثال:**

چه خوش گفت فردوسی پاک زاد      که رحمت بر آن تربت پاک باد  
میزار موری که دانه کش است      که جان دارد و جان شیرین خوش است  
بیت دوم را سعدی در میان شعر خود ، از فردوسی ذکر کرده است.

### 13- تکرار

اگر دو یا چند واژه را که از نظر ظاهر و معنی کاملاً یکسان است در شعر یا نوشته به کار ببریم به آن تکرار گویند.

مثال : تا توانی می گریز از یار بد / یار بد بدتر بود از مار بد (یار بد دوبار آمده است و تکرار است)

مثال: همی دانه و خوشه خروار شد/ ز آغاز هر خوشه خروار نیست(خوشه و خروار ← تکرار)

مثال: زود می گفتند:این کار خداست/ پرس و جو از کار او کاری خطاست(کار ← تکرار)

### 14- مجاز

به کار بردن واژه در معنایی غیر حقیقی به شرط آنکه میان معنای حقیقی و غیر حقیقی پیوند و ارتباطی برقرار باشد.

مثال : ای دل غم دیده حالت به شود دل بد مکن / وین سر شوریده باز آید به سامان غم مخور ( دل مجاز از شاعر یا هر انسان دیگر و سر مجاز از فکر و خیال )

مثال: خدای ما دوباره سنگ و چوب شد، نیامدی( سنگ و چوب ← مجاز از بت ها)

مثال: نان آبی خورم و آشامم( نان و آب ← مجاز از غذا)

مثال: آل احمد همه عطشان از بزرگ و کوچک / نسل حیدر همه از اکبر و اصغر تشنه

(بزرگ و کوچک ← مجاز از همه اهل بیت امام حسین(ع))



## اصطلاحات ادبی

**بیت:** به هر دو مصراع یک بیت می گویند.

**مصراع:** کوچک ترن سخن موزون را یک مصراع می گویند. در واقع مصراع نیمی از یک بیت است.

مثال:

بی نام تو نامه کی کنم باز { یک بیت	{ای نام تو بهترین سر آغاز
مصراع	مصراع

**قافیه:** به کلماتی می گویند که در پایان مصراع ها می آیند و حروف و حرکت پایانی آن ها یکی است.

مثال: راستی را کس نمیداند که در فصل بهار / از کجا گردد پدیدار این همه نقش و نگار

قافیه

**ردیف:** در صورتیکه یک یا چند کلمه عیناً و بدون تغییر در شکل و معنا در آخر هر بیت و پس از قافیه تکرار شده باشد ردیف نام دارد.

مثال: دوستی از من به من نزدیک تر / از رگ گردن به من نزدیک تر

ردیف

**تخلص:** نام و شهرت شعری شاعر را تخلص می گویند.

مثال: سعدیا راست روان گوی سعادت بردند

مثال: حافظا در کنج فقر و خلوت شب های تار/تا بود وردت دعا و درس قرآن غم مخور



**3- مثنوی:** شعری است که هر بیت آن قافیه ای جداگانه دارد.

▲ _____	▲ _____
■ _____	■ _____
● _____	● _____

در سرودن مثنوی هیچ گاه با کمبود قافیه روبرو نیستیم، به همین خاطر مناسب ترین قالب برای بیان داستان های بلند منظوم است.

موضوع مثنوی: حماسی و تاریخی مثل شاهنامه ی فردوسی ، اخلاقی و تعلیمی مثل بوستان سعدی ، عاشقانه و بزمی مثل خسرو و شیرین ، نظامی و عارفانه مثل مثنوی مولوی

**4- قطعه:** شعری است که مصراع های دوم آن با هم هم قافیه است.

▲ _____	_____
▲ _____	_____
▲ _____	_____

موضوع قطعه : مطالب اخلاقی و تعلیمی ، پند و نصیحت

**5- چهار پاره ( دوبیتی نو ):** قالب شعری است که ترکیبی است از چند قسمت دوبیتی که هر دو بیت قافیه ای جداگانه دارند.

▲ _____	_____
▲ _____	_____
	*
■ _____	_____
■ _____	_____
	*
● _____	_____
● _____	_____

موضوع چهار پاره معمولاً مسایل اجتماعی است.

6- **دوبیتی:** به شعری گفته می شود که 4 مصراع دارد.



البته گاهی مصراع سوم هم قافیه دارد.

7- **رباعی:** شکل قرار گرفتن قافیه همانند دوبیتی است.

راه تشخیص دوبیتی از رباعی : کافی است کلمه ی اول مصراع اول را همانند دوره ی ابتدایی بخش بخش کنیم. اگر بتوانیم صدای بخش اول آن را با یک حرف نشان دهیم ، دوبیتی است و اگر با دو حرف نشان دهیم رباعی است.

مثال: ز دست دیده و دل هر دو فریاد ← ز ← دوبیتی  
کفر چو منی گزاف و آسان نبود ← کُف-ر ← رباعی

8- **شعر نو ( نیمایی ):** شعری است که طول مصراع های آن یکسان نیست ( کوتاه و بلند است ) و

قافیه در آن جای مشخص و معینی ندارد.

موضوع شعر نیمایی: عشق، سیاست، اجتماع و ... است.





